

قصیده‌ای نویافته از کسائی

سیدمحمدحسین حکیم

بهترین و کامل‌ترین تحقیق جامع و علمی درباره زندگی و اشعار کسائی کتابی است که استاد بزرگوار شادروان محمدامین ریاحی بانام کسائی مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او نوشته است. ریاحی، در دو مقاله خود در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۳، نکات تازه‌ای درباره زندگی کسائی و مذهب او مطرح کرد و، پس از آن، مجموعه یادداشت‌های خود را در کتاب مذکور گردآورد.^۲

ریاحی در مجموع موفق شد که ۳۰۷ بیت منسوب به کسائی را از فرهنگ‌نامه‌ها و جُنگ‌ها جمع کند. شاید مهم‌ترین بخش این گردآورده‌ها دو قصیده کامل از کسائی باشد: یکی قصیده منقبت‌نامه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در ۲۳ بیت که از جُنگ مزین و نفیس عبدالله برمکی گرفته شده است و آن هم‌اکنون در مجموعه روان کوشکو به شماره ۱۹۷۶ در کتابخانه توپقاپوسرای استانبول نگهداری می‌شود؛ دیگری سوگنامه کربلا که از تنمّه خلاصه الاشعار تقی‌الدین محمدبن علی کاشی (وفات: بین ۱۰۲۲ و ۱۰۲۴ق) در کتابخانه بانکی‌پور در پتنه هندوستان به دست آمده است و آن قصیده‌ای است در ۵۰ بیت که نخستین سوگنامه مذهبی شناخته‌شده در شعر فارسی به شمار می‌رود.

کار عالمانه ریاحی پیگیری برای یافتن ابیات تازه‌ای از کسائی را مشکل می‌کرد زیرا

(۱) مشخصات این دو مقاله به شرح زیر است: «قصیده‌ای از کسائی مروزی»، یغما، س ۲۲، ش ۸، آبان ۱۳۴۸، ص ۴۴۳-۴۴۹؛ «پیشرو ناصر خسرو»، مجله یغما، س ۲۷، ش ۱۰، دی ۱۳۵۳، ص ۵۶۱-۵۷۱؛ نیز یادنامه ناصر خسرو، انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، مشهد ۱۳۵۵، ص ۲۳۴-۲۴۵.
(۲) چاپ تجدیدنظرشده کتاب در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است.

او هر آنچه طی سال‌ها در منابع قدیم و تحقیقات جدید درباره زندگی و شعر کسایی آمده بود از نظر گذرانیده و مطالب نوی را نیز به آنها افزوده بود.

پس از ریاحی، تنها استاد دانشمند علی‌اشرف صادقی، در مقاله محققانه «ابیات تازه‌ای از کسایی»، با بررسی نسخه شماره ۵۸۳۹ لغت فرس اسدی در کتابخانه ملک تهران و نسخه دیگری از همین کتاب در پایان نسخه‌ای از شاهنامه محفوظ در کتابخانه توپقاپوسرای ترکیه به شماره H 1515 همچنین تذکره خیر البیان، نه بیت نویافته دیگر از کسایی را برای اولین بار معرفی کرد. (صادقی، ص ۸۸۳-۸۸۷)

با این تفصیل، پس از این تلاش‌ها، یافتن اشعار دیگری از کسایی تا حدودی سخت و دشوار می‌نمود و تنها از دو راه می‌شد به پیگیری تلاش‌های این استادان ادامه داد: نخست، شواهد لغت‌نامه‌های کهنی که پیش‌تر در دست نبوده یا به چاپ نرسیده باشند؛ دوم، جُنگ‌ها و مجموعه‌های شعری که از گوشه و کنار کتابخانه‌ها و گنجینه‌های نسخ خطی ممکن است به دست آید.

از منابع دسته اول به دو لغت‌نامه برخوردارم که شواهدی از کسایی در آنها نقل شده است: یکی اقامیم العجم که فرهنگی فارسی به فارسی و فارسی به ترکی است و مؤلف آن تاکنون ناشناخته مانده است. قدیم‌ترین نسخه‌ای که از آن می‌شناسیم در کتابخانه عارف حکمت مدینه در سال ۷۱۶ کتابت شده است (منزوی، ج ۳، ص ۱۹۶۲). اما ایرج افشار خیر از ابیاتی در نسخه کتابخانه ملی اتریش می‌دهد که در مدح جمال‌الدین شیخ ابواسحاق اینجو (مقتول: ۷۵۸)، امیر «مستعجل‌دولت» فارس، سروده شده است (افشار، ص ۲۳-۲۴). به‌رغم این اختلاف چهل ساله، قدر مسلم آن است که اقامیم العجم در قرن هشتم هجری تألیف شده؛ اما به دست دادن تاریخ دقیق‌تری برای زمان تألیف آن منوط به رؤیت نسخه‌ها و بررسی بیشتر آنهاست. مؤلف این فرهنگ، به‌مناسبت، از شاعران متعددی شاهد آورده که، در میان آنان، نام کسایی هم به چشم می‌خورد. (همان‌جا)^۳

۳) از این لغت‌نامه، که تاکنون چاپ نشده، دو نسخه در کتابخانه‌های ایران می‌شناسیم: نسخه مورخ ۹۸۶ محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۴۶۵ (← فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۳۵۶؛ گلچین معانی، ج ۱۳، ص ۱۱۷-۱۱۹)؛ نسخه مورخ قرن ۱۱-۱۲ محفوظ در کتابخانه سازمان لغت‌نامه دهخدا شماره ۸۵/۲ (دانش‌پژوه ۳، ج ۳، ص ۴۲-۴۳). برای اطلاعات بیشتر درباره کتاب و دیگر نسخه‌های آن در خارج از کشور ← منزوی، ج ۳، ص ۱۹۶۲-۱۹۶۳؛ دبیرسیاقی، ص ۲۶۶-۲۶۸.

دیگری فرهنگ قدرخان نوشته شده در ۸۰۷ که از آن تنها یک نسخه در بنیاد نسخه‌های خطی شهر باکو به شماره M 294 می‌شناسیم. دانش‌پژوه این نسخه را دیده و چنین معرفی کرده است:

دانش‌نامه قدرخان اشرف بن شرف مذكر فاروقی.

فرهنگ فارسی است به فارسی به نام قدرخان... در ۲۱ ذیحجه ۸۰۷. نخست نام ماه‌ها و روزهای ماه به فارسی، سپس واژه‌های فارسی به ترتیب حرف بازپسین آنها با شواهد و گواه‌های شعری. روی هم رفته ۷۵ بیت از فردوسی و رودکی و تاج دین نظامی و عنصری و دقیقی و مطهر و خاقانی و ابوعلا... و سوزنی و ابوشکور و ابونصر مرغزی و سدید عوفی و فرخی و ابوالعباس و ناصر خسرو و عسجدی و منجیک و طیان و شهیدی و شاکر بخاری و علوی اختیاری و خسروی و اسدی طوسی و لیبی و مسعود سلیمان یا سلیمانی و اغاجی و فاخری و بهرامی و ابوالمؤید بلخی و تاج دبیر و ابوالقاسم و سپهسالار و عمّاره و کسایی و معروفی و ابوسعید و خسروانی.

در آن یاد شده است از شاه‌نامه و سکندرنامه و کتب طب و پندنامه انوشیروان. (دانش‌پژوه ۳،

ج ۹، ص ۲۲۱-۲۲۲)

این نسخه به خط ثلث اسحاق بن ابراهیم بخاری در روز چهارشنبه ۲۹ ذیقعدة ۸۱۱ ق کتابت شده است.^۴

اما در خصوص جنگ‌ها، دو سال پیش از این، در کتابخانه مدرسه سپهسالار به جنگی از اشعار نعت و منقبت و مدح و مراثی خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برخوردیم که تاکنون کسی بدان عنایتی نکرده بود.^۵ در اولین دیدار، به اهمیت آن واقف شدم و، در پی آن، تصویری از نسخه درخواست کردم و، با بررسی دقیق‌تر، به اهمیت قابل توجه این نسخه در میان اقرائش یقین کردم.^۶

۴) برای اطلاعات بیشتر درباره این کتاب ← حاکمی، اسماعیل، «دانشنامه قدرخان و فرهنگ‌های فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۳۱ (۱۳۷۲)، ش ۱-۴، ص ۲۸-۳۶.

۵) تنها معرفی کوتاهی از آن در فهرست کتابخانه سپهسالار (دانش‌پژوه و مسزوی، ج ۴، ص ۹۱) صورت گرفته است.

۶) از این گونه جنگ‌های شیعی که همه اشعارشان در منقبت و مراثی اهل بیت سروده شده و پیش از سال ۱۰۰۰ ق کتابت شده باشند چند نسخه دیگر با مشخصات زیر سراغ داریم:

– نسخه‌ای شامل اشعار نصرت علوی رازی و حمزه کوچک ورامینی و شهاب سمنانی، نوشته شده در ۶۲۹.

این جُنگ را عبدالکریم مدّاح در سال ۸۴۹ کتابت کرده است. از مدّاح بودن کاتب برمی‌آید که وی از مناقب‌خوانان شیعی بوده و این‌گونه اشعار را در سفینه‌ای گرد آورده است.^۷ نسخه از آغاز افتادگی دارد و میزان این افتادگی برای ما مشخص نیست امّا، با قرآینی، صفحات افتاده را تقریباً هم اندازه بابخش موجود حدس می‌زنم. هم‌اکنون ۱۰۶ برگ از نسخه در دست است.

بیشتر اشعار جُنگ قصیده است امّا چند رباعی و ترجیع و ترکیب و قطعه و یک معشر هم دارد. در آن، روی هم رفته از سی و هفت شاعر شاهد - از برخی از آنان چندین قطعه - نقل شده است. فهرست شاعران، به ترتیب ذکر آنان در جُنگ، به شرح زیر است: فردوسی طوسی، لطف‌الله نیشابوری، حافظ سبزواری، کمال‌الدین خواجه‌ی کرمانی، کمال فارسی، جلال جعفری، حسن کاشی، امیر نصرت رازی، امیرعلی سوگندی، وحید تبریزی، شیخ یوسف بنّا، کمال‌الدین افضل کاشی، شمس اولیاء بلیانی، خواجه‌ی کرمانی، ابن حیدر سبزواری، ابن خواجه کاشی، مولانا ازری، کمال بن غیاث، جلال جعفریور بومنصور، سیدعلی بغدادی، ناصر خسرو، ابن حیدر علی باری، مولانا مشهدی، وحیدی، توحیدی، قاضی سعیدالدین سلطانی، سنائی غزنوی، حمزه کوچک، شیخ نجم‌الدین کبری، ابن مورخ کاشی، سعیدالدین هروی، حاجی جنید حافظ واعظ شیرازی، مولانا دردزد، رفیع‌الدین اشرف شروانی، و پوربنا.^۸

۱ استاد ایرج افشار ابتدا در مقاله‌ای با نام «منتخباتی از سه شاعر شیعی قرن هشتم»، در مجموعه کیمیه، این نسخه را معرفی کرده (افشار ۳، ص ۱۷۲-۱۸۷) و، پس از سال‌ها، متن اشعار را به چاپ رسانده است. (همو ۱، ص ۱۸۹-۲۳۹) - نسخه دانشگاه تهران به شماره ۳۵۲۸، مورخ روز جمعه ۲۲ صفر ۸۴۴. در این جُنگ، به جز مدایح و مرثی، اشعار دیگری هم آمده امّا وجه غالب آن از همان گونه است. (دانش پژوه ۱، ج ۱۲، ص ۲۵۴۶-۲۵۴۷)

- نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۶۰۹، که از آغاز و انجام افتادگی دارد و تاریخ کتابت نسخه به قرن ۹ بازمی‌گردد. (صدرائی خوبی، ج ۳۷، ص ۱۲۴-۱۳۰؛ طباطبائی بهبهانی، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۲۹) - نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۵۹۴، مورخ ۹۰۲. (صدرائی خوبی، ج ۲۶، ص ۹۲-۹۴)

- جُنگ محفوظ در کتابخانه مجلس سنا به شماره ۵۱۷، که عبداللطیف بن علی واعظ لطیفی بیرجندی در ربیع‌الاول ۹۲۵ آن را گرد آورده است. (دانش پژوه ۲، ج ۱، ص ۲۱۴-۳۱۶)

۷ برای رسم مناقب‌خوانی در میان شیعیان ← قزوینی رازی، ص ۶۵-۶۷ و ۷۴-۷۷.

۸ فهرست نام این شاعران در فهرست کتابخانه سپهسالار اغلاط و افتادگی‌هایی دارد که در اینجا اصلاح شده

اشعار یادشده در این جُنگ می‌تواند در بازشناسی ادب فارسی تشیع طی قرن‌های چهارم تا نهم تا اندازه زیادی به ما کمک کند. در آن میان، شاید یکی از مهم‌ترین و بدیع‌ترین شواهد شعری آن قصیده‌ای باشد از کسائی که در برگ‌های ۷۴-۷۵ مندرج است. این قصیده، که متن کامل آن در نسخه ما آمده و ۲۶ بیت دارد، در منقبت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام است و از این جهت، پس از قصیده به مطلع

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین فضل حیدر شیر یزدان مرتضای پاکدین
منقول در کتاب استاد ریاحی (ص ۸۹-۹۲)، دومین منقبت‌نامه‌ای است که تاکنون از کسائی سراغ داریم و هم، در عین حال، قدیم‌ترین (سال ۸۴۹) نسخه شناخته‌شده‌ای است که از شعر این شاعر در دست داریم.

قصیده کامل و دلیل متقن دیگری بر تشیع کسائی است. در بیت بیست و پنجم آن تخلص کسائی ذکر شده است.

با احتساب ۳۰۷ بیتی که در کتاب استاد ریاحی آمده و ۹ بیت دیگری که استاد علی‌اشرف صادقی در مقاله خود معرفی کرده و ۲۶ بیت قصیده حاضر، آنچه از اشعار کسائی در دست ماست به ۳۴۲ بیت می‌رسد.

نسخه به شیوه نسخه خطی قرن نهم هجری کتابت شده است. در مواردی، حروف نقطه‌گذاری نشده‌اند؛ «گ» بدون سرکش و «چ» و «پ» بایک نقطه نوشته شده‌اند؛ قاعده ذال معجمه همه جا رعایت شده است؛ بسیاری از «الف»‌های میان کلمات علامت مد دارند؛ زیر بسیاری از «ی»‌های پایان کلمات هم دو نقطه - گاهی درون شکم «ی» - گذاشته شده است؛ کلماتی که به نظر کاتب احتمال بدخوانی آنها می‌رفته مشکول شده‌اند.^۹

در اینجا متن قصیده نویافته کسائی را می‌آورم. متن کامل جُنگ سپهسالار را در دست تصحیح دارم.

لمولانا کسائی

۹ است.

(۹) از آنجا که تصویر متن قصیده را در پایان آورده‌ام، لازم ندیده‌ام که در نقل رسم الخط نسخه را رعایت کنم.

تا که بؤد غرقِ زرقِ جاهلِ احمق
نقره پاکیزه را مده به مُزَوَّق
راه گشادست زی سفینه و زورق
آنکه همیشه مطهرند و مُصَدَّق
دستِ من و دامنِ خلیفه برحق
آنکه هدی را امامِ حقِّ مَعِ الحَق
صعب چنان قفلِ آهنینِ معلق
دُلْدَلِ شهبای روانِ جهانند ز خندق
خنجرِ او کرد لعلِ جوشنِ ازرق
سنگِ عراده دو نیمه کرد مُفَلَّق
جوشنِ خَرِپُشته را به درعِ مُحَلَّق
محنته^{۱۱} بست از عقیقِ سرخِ مُنَحَق^{۱۲}
بر دو کفِ کافران شرابِ مُرَوَّق
کرد به خونِ عدو معدد و ابلق
دینِ هدی را چو کعبه را به سَتَبَرَق
کتبِ جهالت جزو [که^{۱۳}] کرد مَخَرَق
جمعِ ضلالت ازو شدست مُفَرَّق
معدنِ تأویلِ مرتضای موفِّق
مانده گروگانِ بند و بسته مطوَّق
دل به غمِ مرکب و رکاب^{۱۴} مغرَّق
تا نشود فعلهات پُر ز مُطَرَّق
سیر شو از قصه سریر و خُورَنَق
چون نَسبِ غالیه به لادن و زبِق
مُلک به دولت بیار و شعر به رونق

تکیه کند بر گمان و گم کند از حق
دست بشوی از گمان و گردِ یقینِ گرد
غرق مکن خویش را چرا که ز طوفان
چیست سفینه جز اهلِ بیتِ محمّد
رَو تو خلیفه به اختیارِ همی گیر
حیدرِ کَرارِ شیرِ خالقِ جِبّار
آنکه ز خیبر بکند در به شجاعت
آنکه به کردار^{۱۰} بَرَق و تیزتر از برق
آنکه به روزِ حُنَینِ وقتِ تحرُّک
آنکه به حصنِ سلاسل از بُنِ باره
آنکه به ضربتِ فروگداخت چو ارزیز
آنکه به تیغِ کبود از گلوی عَمرو
آنکه به نیزه سرابِ مرگ و مِخَن کرد
آنکه به یک زخمِ خنکِ اَشْهَب و اَدْهَم
آنکه به تأویلِ وجه کرد و بیاراست
ذاتِ شریعت جزو که کرد مرکب
اصلِ دیانت بدو شدست مُهَبّا
منزلِ تنزیلِ مصطفای مُعَلّاست
ای همه ساله اسیرِ زَلّتِ عصبیان
غرقه و سرگشته زیرِ بارِ گناهان
دامنِ اولاد و اهلِ بیتِ نبی گیر
مدحتِ آلِ رسول از دل و جان خوان
باز شو از نسبتِ هوئی سوی ایشان
رونقِ اشعارِ فضلِ آلِ رسولست

(۱۰) جای این کلمه را در نسخه موربانه خورده است. تصحیح قیاسی است.

(۱۱) چنین است در نسخه. ظاهراً صورت درست مِخَنَقَه (= گلوبند، گردن‌بند پند) است.

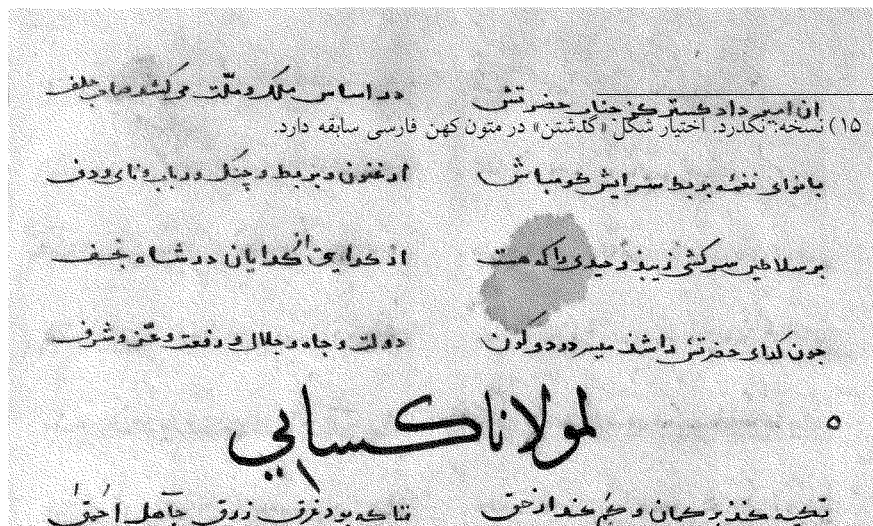
(۱۲) چنین است در نسخه. (۱۳) در نسخه، «که» از قلم افتاده است.

(۱۴) حرف «ب» در نسخه به موربانه خوردگی از بین رفته است.

شعر کسایی به منقبت بوّد ای دل
فخر دگر شاعران به شعر مُطَبَّق
نگذرد^{۱۵} او یک دم از مناقبِ حیدر
بگذرد از خیمه و لباسِ مُزَرَّق

منابع

- افشار، ایرج (۱)، «اشعار نصرت رازی، شهاب سمنانی و حمزه کوچک ورامینی، همراه با رسالهٔ منشور امامیه»، میراث اسلامی ایران، ج ۷، کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، قم ۱۳۷۷.
- (۲)، فهرست دست‌نویس‌های فارسی در کتابخانه‌ی ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین، مؤسسهٔ نشر فهرستگان، تهران ۱۳۸۲.
- (۳)، «منتخباتی از سه شاعر شیعی قرن هشتم»، کمیته، فرهنگ ایران‌زمین، تهران ۱۳۵۴.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱)، فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۲، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۰.
- (۲)، فهرست کتاب‌های خطی کتابخانهٔ مجلس سنا، ج ۱، کتابخانهٔ مجلس سنا، تهران [بی‌تا].
- (۳)، نسخه‌های خطی، ج ۳ و ۹، کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۲ و ۱۳۵۸.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و علی‌تقی منزوی، فهرست کتابخانهٔ سپهسالار، انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی، تهران ۱۳۴۶.
- دیرسیاقی، سید محمد، فرهنگ‌نامه‌های فارسی به فارسی و فارسی به زبان‌های دیگر و فرهنگ‌های موضوعی و گویش‌های محلی و فرهنگ‌گونه‌ها، آرا، تهران ۱۳۷۵.
- ریاحی، محمدامین، کسائی مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او، علمی، تهران ۱۳۷۳.
- صادقی، علی‌اشرف، «ابیات تازه‌ای از کسایی»، محقق‌نامه: مقالات تقدیم‌شده به استاد دکتر مهدی محقق، ج ۲، به‌اهتمام بهاء‌الدین خرّمشاهی و جويا جهان‌بخش، سینانگار، تهران ۱۳۸۰.
- صدرائی خوبی، علی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، ج ۲۶ و ۳۷، کتابخانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۷۶، ۱۳۷۷.
- طباطبائی بهبهانی، سید محمد، الشریعة الی استدراک الذریعة، ج ۲، کتابخانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۸۵.
- فهرست کتب کتابخانهٔ مبارکهٔ آستان قدس رضوی، ج ۲، دارالطباعة طوس، مشهد ۱۳۰۵.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، تحقیق جلال‌الدین محدّث ارموی، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۸.
- گسلچین معانی، احمد و غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۳، کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۲.
- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ئی، تهران ۱۳۵۰.



انکه بفریب فرو جانست چو او زین	بوشن خُشْت را بدوع مخلق
انکه بیخ کبود از کلوی عمر	مخفق بست از حقیر سرخ مخفق
انکه بسیره سراب مرک و عمر کرد	برد و کف کافران شراب مروق
انکه بیک فغم خنک اشوب و ادم	کرد خون عود و معدد و ابلق
انکه بتا و یل وجه کرد و بیار است	دین هوی و اجو کعبه و ابستبرق
ذات شریعت جزو که کرد مرکب	کعب جهالت جزو کرد مخترق
اصل دیانت بدو شدت مهیتا	جمع ضلالت ازو شدت موق
سزل تنزیه مصطفای مقلاس	معدن تاویل مرتضای مرفق
از همه ساله اسیر زک عمیان	ماده کروگان بند و بسته مطلق
غرقه و سر کشته زیر بار کنا جان	دل بغم مرعب و در کعبه موق
دامن اولاد و اهل بیت نیت مکی	تا نشود نعلیات پیر ز مطلق
مدحت ال رسول از دل و جان خوان	سیرشوا از قله سریر و خورق
بازشوا از نیت هوی و سوی ایشان	چون نسب غالیه بلادین و نریق
دو تن اشعار فضل ال رسولت	ملک جهالت بیار و شعر بروق
شعر کسای بنقبت بودای دل	فخو دگر شاعران بشعر مطلق

نکوداد و یصدم از شایب حیدر بگذرد از خیمه و لباس مزوق

لمولانا توحیدی

ای پایه کمال تجر تو زنده فلک دی کرده خاک پاوت کماله ملک

بر بام قصر از ده تعظیم و قدور و جوام حیوان شدست سالومه و دوزخ و شرب زنگ

یوسف حسن اطرحه براد شاه شکوان خوان آیت و اعلاوت تویی فک

دام شکر که حجت تو در مرقضی تامل مجموع طاعتت و بیرون نیست هم شک

جنت بود مقام مجتبان بیرون تویی و ز بصر دشمن سقر و آخر درد ک

کرم طالبی و سوزلو تو بیانات و روی درون تویی هند و تدملک

شاه کمالی شرف جزاوست کن بود بر پای او نماند نه سماع تا سیمک

نشین خوشن شوق قول مصطفی

سوزت طریقه ایان در راه کفر تو صاحب اختیار و بر هر دو شترک

کرم خالده آه تو کت خیل و بر التبا کرم بر و بد زخ و دنا و دوی ک

ان پادشاه بلعظمانت که افتابیم صلوات بر امرا و ست بر هر چه تو نیک

علی که بود خلق صفا بر او ان جنات کرده بیان نبی و زک بلکه به تو خطه

شاه جهان و خاندان به کرم زو خالصند یوت سکه ولای تو قلب انور بر ملک

گفت این هم نبود تا آمد گویش است رفته
شعر هم سبکی الله علی اش کوریند
گفت پس علت این چیست که آن سرور شد
سخاوت به بسی نان مکر این صفت بود
گفت این هم نبود تا آمد همیاد نماند
خاتم و تیغ بیدار چه حدیم سویند
گفت پس علت این چیست که آن سرور شد
بشجاعت مکر او پیش در لشکر بود
گفت فریضت و لشکر دین روز و غا
این نیندا و بده او روز حیا صند بود
کیلا آشفته شده گفت بخیلان زبانی
زین بر این نزد کبار آنچه اندر نمود بود
هر که یک ذره بد در آورد بنفشه دین
بوصفام که بدو خورد خطا ما در بود
دست در دامن خید و ز او بودیا
حافظه در دامن او دست نبرد خان بود

و کتبه امیر کبیر علیه السلام
و کتبه امیر کبیر علیه السلام

در جب علی مکه عمره کجا بست
از شعله نار عا دین ما دار است
از جاه ضلالت فرستی تا نرفی
در جلد تنبید فالین والاد است

تم الکتاب بعون الملك الوهاب

علی بن عبد الشیخ المحتاج الی رحمة الله
المعلم الفتح عبد الحکیم المشایخ

۱۰۴۹